

روش استفاده از کتاب

هر کی نفونه ضرر می‌کنه!

قدیما آدمای باسواد خیلی کم بودن؛ اون‌هایی هم که سواد داشتن، وقتی کتاب می‌نوشتن، برای این‌که سوادشونو به رخ باسوادای دیگه بکشن، یه جوروی کتاب می‌نوشتن که همه دریمون. بعد از مردن اون باسواد کتاب‌نویس، یه باسواد دیگه می‌اومد کتابی رو که اون مرحوم نوشته بود، برای این‌که یه کسایی بفهمن، برمی‌داشت و براش یه حاشیه یا توضیح می‌نوشت. البته این نویسنده‌ی جدید هم برای این‌که به همه بفهمونه که «آقا، خود ما هم از اون مرحوم چیزی کم نداریم و کلی حالیمونه»، حاشیه‌نویسی خودش رو طوری می‌نوشت که کم‌تر کسی بفهمه چی نوشته! خلاصه، این جوروی بود که کلی کتاب درباره‌ی چیزی نوشته می‌شد که به جای کمک‌کردن به فهم مطلب، کار رو هی سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌کرد. اما الان دیگه اون شکلی نیست، این روزا با کتابای خوب، درس خوندن و یادگرفتن خیلی دوست‌داشتنی شده.

سه گروه مخاطب این کتاب

ما خیلی درباره‌ی این موضوع فکر کردیم که چند جور دانش‌آموز ممکنه این کتاب رو بخونه: یکی، اون‌ی که در طول سال، درس‌به‌درس می‌خواد با این کتاب پیش بره و در آخر هر درس هم می‌خواد یه سری پرسش چهارگزینه‌ای مربوط به اون درس رو داشته باشه.

دوم، یه دسته هم هستن که دوس دارن کتاب رو موضوع‌به‌موضوع بخونن و جلو برن؛ مثلاً، یه بار مطالب مربوط به معنی و مفهوم رو می‌خونن و یک جا هم تستاشو می‌زنن؛ یه روز املا و تستاش؛ چه می‌دونم، یه بار هم لغت و معنی رو با تستاش جواب می‌دن. سوم، یه گروهی هستن که در طول سال ممکنه با کتاب هیچ کاری نداشته باشن؛ همون آخرا که می‌خوان امتحان تیزهوشان بدن، می‌خوان یک سری پرسش‌های جامع جواب بدن و قال قضیه رو بکنن.

ما هم دقیقاً همین کارو کردیم؛ این کتاب، با کارای قبلی خیلی فرق کرده، یعنی کتاب حاضر جوابگوی هر سه سلیقه است: هم درس‌به‌درسه، هم موضوع‌به‌موضوعه و هم جامع. شما می‌تونین با این کتاب در طول سال تحصیلی، درس‌به‌درس جلو برید؛ هر جا که حس کردین در یک موضوع خاص، مثلاً دانش‌های زبانی و ادبی یا دستور و یا ... نیاز به تمرکز بیشتری دارین، می‌تونین مستقیماً برید سر همون موضوع و درس‌نامه‌اش رو بخونین و پرسش‌های چهارگزینه‌ای مخصوص به اون رو هم جواب بدین. در اواخر سال تحصیلی یا نزدیکی امتحان تیزهوشان، آزمون‌های جامع آخر کتاب رو بزنین و توپ توپ، بشینین سر جلسه‌ی امتحان.

شما جزو کدوم گروه از مخاطبا هستین؟

شما در این کتاب این فصل‌ها رو می‌بینید:

۱. روایت درس‌به‌درس

در این بخش از هر درس کتاب درسی براتون یک آزمون با ۱۵ سؤال در نظر گرفتیم تا در طول سال، همراه با معلم عزیزتون بتونید خودتون رو بسنجین و با کلاس جلو برید. این ۱۵ سؤال تقریباً شامل همه نوع سؤال می‌شه و قراره تسلط شما به درس رو بیشتر کنه.

۲. معنی و مفهوم

تسلط به معنی و مفهوم بدون مطالعه‌ی این بخش تقریباً غیرممکنه! توی این بخش همه‌ی متن‌های مهم کتاب رو براتون کامل معنی کردیم و نکات تیزهوشانی هر بخش رو گفتیم تا شما در سؤال‌های معنی و مفهوم و ... (حتی تستای قرابت خود کنکور سراسری!!) دچار مشکل نشید. دقت کنید که پایه‌ی فهمیدن همه‌ی بخش‌ها همین بخش معنی و مفهومه و مثلاً شما تا معنی یک بیت رو نفهمید نمی‌تونید آرایه‌های اونو تشخیص بدید. پس، قبل از خوندن هر موضوع دیگری، این بخش رو بخونید و در آخر برید سراغ کلی تست که آخر همین فصل براتون گذاشتیم. (البته اگر در معنی و مفهوم بیت‌ها و متن‌های کتاب خبره باشین، زدن تست‌های آخرش به عنوان زورآزمایی براتون جذاب و مفیده)

۳. واژگان

تو کتاب درسی شما، لغت‌هایی هست که معنی‌شون رو نمی‌دونید یا نمی‌تونید تشخیص بدید هم‌خانواده‌ی کدوم واژه‌ها هستند. توی این بخش به جای انبوه لغت‌های کتاب، فقط لغت‌های مهم رو همراه با معنی و یا هم‌خانواده‌هاشون گذاشتیم. نکته‌ی جالب هم اینه که این کار رو به ترتیب درس‌های کتاب کردیم تا بتونید در طی سال به‌راحتی با این بخش پیش برید. پس این بخش برای تسلط بیشتر شما به واژگان مهم کتاب اومده و تست‌هایی آخرش هست که تو این بخش، خیلی کمکتون می‌کنه.

۴. املا

بعضی از بچه‌ها هستن که در املا‌ی کلمات مشکل دارند. در بخش املا ما چند تا تمرین سرگرم‌کننده گذاشتیم برای دست‌گرمی و کمی هم تست که بهتون نشون می‌ده تست‌های املا رو چطور خوب بزنید. پس اگر در املا کمک می‌خواید این بخش خیلی کمکتون می‌کنه.

۵. دستور زبان فارسی

شاید سخت‌ترین بخش برای بچه‌هایی که می‌خوان فارسی هر آزمونی رو کامل بگیرن، دستور باشه، اما ما خیلی مفصل این بخش رو درس دادیم. حتماً این بخش رو کامل بخونید بعد سراغ تستاش برید. دقت کنید که همه‌ی مطالب دستوری که لازم دارید این‌جا هست؛ پس با خیال راحت بهش اعتماد کنید.

۶. دانش‌های زبانی و ادبی

مشکل اصلی دانش‌های ادبی توی کتاب درسی اینه که خیلی پراکنده گفته شدن و همین باعث شده که بیشتر دانش‌آموزا فکر کنن چیزی ازش بلد نیستن و سخته و خلاصه از این جور فکرا. ما می‌گیم همه‌ی این فکرا رو فراموش کنین و بیاین سراغ درس‌نامه خیلی خوب و کامل این بخش، البته ما برای این‌که به خودتون هم ثابت بشه و فکر نکنین که ما داریم اغراق می‌کنیم براتون ۱۲۰ تا پرسش چهارگزینه‌ای گذاشتیم تا باورتون بشه دیگه این بخش رو عالی بلدین.

۷. تاریخ ادبیات

اصلن تاریخ خیلی مهمه، اون قدر که توی ادبیات هم باید تاریخ بدونی. هر چی که از تاریخ توی ادبیات لازم داشتین رو براتون با جدول آوردیم. جمع‌وجور و شسته و رفته. این‌جا هم مثل بقیه‌ی بخش‌ها برای این‌که مطمئن بشین حرفه‌ای شدین پرسش چهارگزینه‌ای هم داریم.

۸. آزمون‌های جامع

آزمون‌ها همون چیزی هستن که بهتون قول دادیم تا آخر باهاتونیم؛ یعنی تا شب امتحان تیزهوشان. حالا دیگه همه‌ی دانش‌ها و مهارت‌هایی که ذره‌ذره جمع کردین رو با هم مرور کنین و حسابی آماده بشین برای آزمون‌هاتون. ما هم براتون دعا می‌کنیم. با این توضیحات فکر کنم دیگه دونسته باشین چطور از این کتاب استفاده کنین و توی امتحان موفق بشین. خاطرتون جمع جمع؛ اگر بعد از خوندن درس‌نامه‌های کتاب، جواب تست‌ها رو خوب دادین، اصلاً به این فکر نکنین که کتاب خیلی راحتی‌ه؛ به این فکر کنین که شما آدم باهوشی هستین.

براتون آرزوی پیروزی می‌کنم.

شاد باشییییییییی!

امروز تو مدرسه به درس هدیه می‌تونین. فیلی دوست دارین زودتر از بقیه‌ی برویج کلاس، پندتا سوال چهارگزینه‌ای مربوط به همون درس گیرتون بیار که ازشون جلو بیفتین. «این‌جا همون باست.» شما تو این قسمت، بلافاصله بعد از هر درس می‌تونین با ۱۵ تا پرسش چهارگزینه‌ای فوب، مهارتتونو آزمایش کنین. فوبیش اینه که سوالاتی این قسمت، درس به درس پیش می‌ره؛ این برای اونایی که می‌خوان در طول سال تمصیلی به کتاب به‌دربرفور، کنارشون باشه.

ستایش و درس اول: معرفت آفریدگار

۱- کدام بیت به مفهوم بیت: «برگ درختان سبز در نظر هوشیار / هر ورقش دفتری است، معرفت کردگار» نزدیک‌تر است؟

- | | |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) جهان جمله، فروغ نور حق دان | ۲) به نزد آن که جانش در تجلی است |
| ۳) ز فضلش هر دو عالم گشت روشن | ۴) در او هر چه بگفتند از کم و بیش |
| ۱) حق اندر وی، ز پیدایی است پنهان | ۲) همه عالم کتاب حق تعالی است |
| ۳) ز فیضش خاک آدم گشت گلشن | ۴) نشانی داده‌اند از دیده‌ی خویش |

۲- نوع ستایش در کدام گزینه بیشتر به بیت زیر شباهت دارد؟

- | | |
|---------------------------------|-------------------------------|
| «به نام آن که جان را فکرت آموخت | چراغ دل، به نور جان برافروخت» |
| ۱) به نام خداوند جان و خرد | ۲) به نام خدایی که جان آفرید |
| ۳) سپاس از خدای جهان‌آفرین | ۴) ستایش خداوند بخشنده را |
| ۱) کز این برتر اندیشه بزرگ‌گذرد | «فردوسی» |
| ۲) سخن‌گفتن اندر زبان آفرید | «سعدی» |
| ۳) که هر شام آمد پس از بامداد | «ابن یسین» |
| ۴) فروزنده‌ی جان رخشنده را | «نشاط اصفهانی» |

۳- کدام گزینه انواع جمله در بیت: «هر گل و برگی که هست یاد خدا می‌کند / بلبل و قمری چه خواند یاد خداوندگار» را نشان می‌دهد؟

- | | | | |
|---------------|----------------|-----------------|----------------|
| ۱) خبری، امری | ۲) امری، عاطفی | ۳) عاطفی، پرسشی | ۴) پرسشی، خبری |
|---------------|----------------|-----------------|----------------|

۴- در کدام گزینه قافیه به‌درستی مشخص شده است؟

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱) باد بهاری وزید از طرف مرغزار | ۲) خیز و غنیمت شمار، جنبش باد ربیع |
| ۳) هر گل و برگی که هست، یاد خدا می‌کند | ۴) برگ درختان سبز در نظر هوشیار |
| ۱) باز به گردون رسید ناله‌ی هر مرغ زار | ۲) ناله‌ی موزون مرغ، بوی خوش لاله‌زار |
| ۳) بلبل و قمری چه خواند؟ یاد خداوندگار | ۴) هر ورقش دفتری‌ست، معرفت کردگار |

۵- در کدام گزینه آرایه‌ی شخصیت‌بخشی به کار رفته است؟

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱) باد بهاری وزید از طرف مرغزار | ۲) خیز و غنیمت شمار، جنبش باد ربیع |
| ۳) هر گل و برگی که هست، یاد خدا می‌کند | ۴) برگ درختان سبز در نظر هوشیار |
| ۱) باز به گردون رسید ناله‌ی هر مرغ زار | ۲) ناله‌ی موزون مرغ، بوی خوش لاله‌زار |
| ۳) بلبل و قمری چه خواند؟ یاد خداوندگار | ۴) هر ورقش دفتری‌ست، معرفت کردگار |

۶- بیت: «هر گل و برگی که هست، یاد خدا می‌کند / بلبل و قمری چه خواند؟ یاد خداوندگار» چند جمله است؟

- | | | | |
|-------|-------|---------|--------|
| ۱) دو | ۲) سه | ۳) چهار | ۴) پنج |
|-------|-------|---------|--------|

۷- اگر واژگان بیت: «خیز و غنیمت شمار، جنبش باد ربیع / ناله‌ی موزون مرغ، بوی خوش لاله‌زار» را به شکل مرتب بنویسیم، سومین

کلمه چه خواهد بود؟

- | | | | |
|---------|----------|---------|--------|
| ۱) جنبش | ۲) غنیمت | ۳) ناله | ۴) بوی |
|---------|----------|---------|--------|

۸- نوع کدام جمله با بقیه فرق دارد؟

- | | |
|----------------------------------|-------------------------------|
| ۱) نگویند از سر بازبچه حرفی | ۲) کزان پندی نگیرد صاحب هوش |
| ۳) چه خوش گفت زالی به فرزند خویش | ۴) که بی‌چاره بودی در آغوش من |

۹- نوع کدام جمله به درستی نوشته شده است؟

- (۱) دوستش با تعجب از او پرسید (پرسشی)
(۲) امروز بهترین دوستم جان مرا نجات داد (خبری)
(۳) یکی از آن‌ها از سر خشم، سیلی زد (عاطفی)
(۴) حالا این جمله را روی صخره حک می‌کنی (امری)

۱۰- در کدام بیت از شعر سعدی «قافیه» ای دیده می‌شود که «مضاف‌الیه» نیست؟

- (۱) باد بهاری وزید از طرف مرغزار
(۲) خیز و غنیمت شمار، جنبش باد ربیع
(۳) هر گل و برگی که هست، یاد خدا می‌کند
(۴) برگ درختان سبز در نظر هوشیار
۱۱- جمع کدام گزینه درست است؟

- (۱) خالق، خلائق (۲) مثال، امثال (۳) حُلُق، اخلاق (۴) حق، حقایق

۱۲- واژگان کدام گزینه متضاد است؟

- (۱) ظاهر و حاضر (۲) پسندیده و زشت (۳) تفاوت و تفاهم (۴) مختصر و مفید

۱۳- نوع رابطه‌ی واژگانی کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) پیاده و سوار (۲) سپاس‌گزار و دعاگو (۳) ارزشمند و گرانبایه (۴) راضی و خشنود

۱۴- در کدام گزینه از بیت‌های «پروین اعتصامی» غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) نشنیدی که مردم هنری
(۲) فروغ من بسی بی رنگ و تاب است
(۳) آهسته میوه‌ای بکن از شاخی و برو
(۴) تو گه سرگشته‌ی جهلی و گه گم‌گشته‌ی غفلت
هنر و فضل را خریدار است؟
کجا مهتاب همچون آفتاب است؟
در باغ و مرغزار مکن هیچ‌گه درنگ
سروسامان که خواهد داد این بی‌خانمانی را

۱۵- کدام گزینه درباره‌ی «گلشن راز» و «تاریخ بلعمی» درست است؟

- (۱) هر دو به نثر نوشته شده است.
(۲) اولی در قرن هشتم و دومی در قرن چهارم نوشته شده است.
(۳) قالب گلشن راز، غزل است.
(۴) ابوعلی بلعمی از عارفان مشهور زمان خود بوده است.

پاسخ‌نامه‌ی تشریحی

- ۱- گزینه‌ی ۲
۲- گزینه‌ی ۱
۳- گزینه‌ی ۴
۴- گزینه‌ی ۱
۵- گزینه‌ی ۳
۶- گزینه‌ی ۳
۷- گزینه‌ی ۱
۸- گزینه‌ی ۳
۹- گزینه‌ی ۲
- برای انسانی که جانش از نور خدا روشن گشته است، همه‌ی آفریده‌های دنیا همانند کتابی [برای شناخت] خداوند بلندمرتبه است. در این بیت خداوند را با صفت‌های «آفریننده‌ی جان و خرد» یاد می‌کند که در بیت پرسش نیز شاعر، خداوند را آموزنده‌ی فکر و اندیشه به جان خطاب می‌کند.
- هر گل و برگی که هست (خبری) یاد خدا می‌کند (خبری) بلبل و قمری چه خواند (پرسشی) یاد خداوندگار (را خواند) (خبری) کلمات قافیه عبارتند از: «مرغزار» و «زار».
- در این بیت «گل» و «برگ» و «بلبل» و «قمری» عملی انسانی انجام می‌دهند.
- هر گل و برگی که هست یاد خدا می‌کند (۱) بلبل و قمری چه خواند یاد خداوندگار (را خواند) (۲) (۳) (۴)
- خیز و جنبش باد ربیع، ناله‌ی موزون مرغ و بوی خوش لاله‌زار را غنیمت شمار.
- این گزینه، جمله‌ی عاطفی (تعجبی) است و بقیه خبری‌اند.
- سه گزینه‌ی دیگر جمله‌های خبری هستند. نکته‌ای که ممکن است ایجاد اشتباه کند، وجود برخی کلمات است که ذهن خواننده را منحرف می‌کند. مثلاً در گزینه‌ی ۱، «پرسید» باعث شود تصور کنیم که جمله پرسشی است و در گزینه‌ی ۳، «از سر خشم»، جمله را به غلط، عاطفی نشان دهد. پیش از این گفته شد که فعل جمله‌ی امری، حتماً فعل امر است، بنابراین، گزینه‌ی ۴ نمی‌تواند امری باشد.

درس دهم: عطار و جلال الدین محمد

۱- کدام گزینه به مفهوم بیت «تو به صورت رفته‌ای ای بی‌خبر / زان ز شاخ معنی‌ای بی‌بار و بر» نزدیک‌تر است؟

- (۱) شتاب‌زدگی در تصمیم‌گیری، تو را به اشتباه انداخته است.
- (۲) توجه به ظاهر، ممکن است تو را در قضاوت سرگردان کند.
- (۳) ظاهربینی تو را از دریافت اصل موضوع بازداشته است.
- (۴) بی‌خبری تو باعث شده تا از اخبار پیرامون بی‌نصیب بمانی.

۲- کدام گزینه از مفهوم بیت «سعی نابرده در این راه به جایی نرسی / مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر» از حافظ، دورتر است؟

- | | |
|-----------------------------------|---|
| (۱) توقّع مدار ای پسر گر کسی | که بی‌سعی هرگز به منزل رسی «سعری» |
| (۲) چه دیدی آخر از دنیا به جز رنج | کشیدی رنج و نادیده رخ گنج «عطار» |
| (۳) به رنج اندر است ای خردمند گنج | نیابد کسی رنج‌نابرده گنج «نهم رازی» |
| (۴) نابرده رنج گنج می‌سز نمی‌شود | مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد «سعری» |

۳- با توجه به معنی ابیات زیر از حافظ، در کدام بیت یا بیت‌ها خودستایی وجود دارد؟

- | | |
|-----------------------------------|---------------------------------------|
| صبحدم از عرش می‌آمد خروشی عقل گفت | قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می‌کنند |
| خوشش باد آن نسیم صبحگاهی | که درد شب‌نشینان را دوا کرد |
| ندیدم خوش‌تر از شعر تو حافظ | به قرآنی که اندر سینه داری |
| نمی‌دهند اجازت مرا به سیر و سفر | نسیم باد مصلی و آب رکن آباد |

- | | | | |
|---------------|-----------|-----------|-----------|
| (۱) بیت ۱ و ۳ | (۲) ۱ و ۴ | (۳) ۳ و ۴ | (۴) ۲ و ۴ |
|---------------|-----------|-----------|-----------|

۴- کدام گزینه مناسب جای خالی در عبارت زیر است؟

- «چهره‌ی درختان در پاییز با شاخه‌های خالی از برگ، همانند است که دست به دعا برداشته‌اند.»
- | | | | |
|------------|-------------|---------|------------|
| (۱) انسانی | (۲) مردمانی | (۳) کسی | (۴) دستانی |
|------------|-------------|---------|------------|

۵- معنی این بیت مولوی: «هست در کوشش امیدم بیشتر / دارم اندر کاهلی افزون خطر» با کدام مصراع ارتباطی ندارد؟

- | | |
|----------------------------------|---------------------------------|
| (۱) ز ورزش میاسای و کوشنده باش | (۲) که پایان تن‌پروری بندگی است |
| (۳) که بنیاد گیتی به کوشندگی است | (۴) اگر در سرت شور سرزندگی است |

۶- قافیه در کدام گزینه متفاوت است؟

- | | |
|-------------------------------------|-----------------------------------|
| (۱) جدا شد یکی چشمه از کوهسار | به ره گشت ناگه به سنگی دچار |
| (۲) برو کارگر باش و امیدوار | که از یأس جز مرگ ناید به بار |
| (۳) پدر مهر بُبُرید و بپفکند خوار | جفا کرد بر کودک شیرخوار |
| (۴) صبا به منزل جانان گذر دریغ مدار | وز او به عاشق بی‌دل خبر دریغ مدار |

۷- معنی واژگان «تألیف، رحلت، اجابت و هجر» به ترتیب، در کدام گزینه آمده است؟

- | | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| (۱) مهربانی، مسافرت، جواب‌دادن، دوری | (۲) گردآوری، مرگ، جواب‌دادن، دوری |
| (۳) گردآوری، مرگ، برآوردن نیاز، سنگ | (۴) مهربانی، مسافرت، راضی‌کردن، سنگ |

۸- در کدام گزینه آرایه‌ی تشبیه وجود ندارد؟

- | | |
|----------------------------------|-------------------------------|
| (۱) شیخ خندید و بگفتش ای سلیم | این درخت علم باشد ای علیم |
| (۲) تو به صورت رفته‌ای ای بی‌خبر | زان ز شاخ معنی‌ای بی‌بار و بر |
| (۳) گه درختش نام شد گاه آفتاب | گاه بحرش نام شد گاه سحاب |
| (۴) آن یکی کش صد هزار آثار خاست | کم‌ترین آثار او عمر بقاست |

۹- در کدام گزینه «مشبه» همانند بیت: «شیخ خندید و بگفتش ای سلیم / این درخت علم باشد ای علیم» به کار رفته است؟

- | | |
|---|--------------------------------|
| با علم اگر عمل نکنی شاخ بی‌بری «سعی» | بار درخت علم ندانم مگر عمل |
| به‌مثل، چون درخت بی‌ثمر است «میرزا حبیب» | علم چون با عمل نشد همراه |
| به زیر آوری چرخ نیلوفری را «ناصرفسرو» | درخت تو گر بار دانش بگیرد |
| چون بی‌ثمر درخت بود علم بی‌عمل «میرزا حبیب» | نیکو سرود، ای به فدای سخنش جان |

۱۰- وجه‌شبه تشبیهات به کار رفته در بیت: «گه درختش نام شد گاه آفتاب / گاه بحرش نام شد گاهی سحاب» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) سرسبزی، درخشش، زیبایی، بلندی
- ۲) ثمردهی، روشنی‌بخشی، بی‌کرانگی، بارندگی
- ۳) ارتفاع، زیبایی، عمق، شادابی
- ۴) سایه‌داشتن، قدرت، عظمت، سودمندی

۱۱- فعل کدام گزینه، زمان حال نیست؟

- ۱) هر دانشمندی با شنیدن خبر آمدنش، خود را به کاروان سرا می‌رساند.
- ۲) او با آشنایی با دانشمندان مختلف چیزهای زیادی یاد می‌گیرد.
- ۳) به گفته‌ی پدرش، پس از رسیدن به نیشابور چند روزی آن جا می‌ماند.
- ۴) به قول شیخ عطار نیشابوری، همه‌ی ما جز اندکی نمی‌دانیم.

۱۲- هم‌خانواده‌ی کلمات «نصیر و متحد» به ترتیب، کدام است؟

- | | | | |
|--------------|-----------------|------------------|-----------------|
| ۱) نصر و مهر | ۲) اتحاد و ناصر | ۳) منصور و تحدید | ۴) نصرت و اتحاد |
|--------------|-----------------|------------------|-----------------|

۱۳- مفرد واژه‌ی «اسرار» را در کدام بیت می‌توان یافت؟

- | | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی | چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی |
| ۲) خاک کوی تو، به صحرای قیامت فردا | همه بر فرق سر از بهر مباحات بریم |
| ۳) به من ده که گردم به تأیید جام | چو جم آگه از سر عالم تمام |
| ۴) بر سر آنم که گر ز دست برآید | دست به کاری زخم که غصه سرآید |

۱۴- در کدام گزینه، «دو کلمه‌ی متضاد» وجود دارد؟

- ۱) علامه دهخدا سرشار از عشق و علاقه به فرهنگ وطن بود.
- ۲) ریشه‌ی همه‌ی پدیده‌ها و اشیا را در اخلاق نیکو و رفتار پسندیده می‌دانند.
- ۳) زندگی را دوست دارم، مرگ را دشمن.
- ۴) جادوگر با قصد فریب و نیرنگ نزد رستم می‌آید.

۱۵- در کدام جمله غلط املائی کم‌تری وجود دارد؟

- ۱) مشرق باید به هر نهو شده است با اسلحه‌ی تمدن جدید مصلح گردد.
- ۲) گنجشکان قوغا کردند. از درخت برخوردار شدند و در هوای مکتب چرخ زدند.
- ۳) قریو و شادی و شعفر، سالن را شکافت. بچه‌ها برای ایران اشعاری نقض خواندند.
- ۴) از آداب طعام خوردن این که اگر سیر شده باشد. تعلی می‌آرد تا دیگران نیز فارق شوند.

پاسخ‌نامه‌ی تشریحی

- ۱- گزینه‌ی ۳
معنی بیت چنین است: ای بی‌خبر، تو به ظاهر توجه کرده‌ای و به این خاطر از فهمیدن و دریافت معنی اصلی، بی‌بهره مانده‌ای؛ یا به تعبیری دیگر از میوه‌ی درختِ معنی، چیزی به دست نیاورده‌ای و بی‌بار و بر مانده‌ای. تنها در این گزینه است که نتیجه‌ی رنج، دست‌یافتن به گنج نیست.
- ۲- گزینه‌ی ۲
۳- گزینه‌ی ۱
در این دو بیت «حافظ» با زیرکی، از شعر خود و هنر شاعری خود تعریف و ستایش می‌کند. این که شعرش را در عرش از بر می‌کنند و این که به روشنی می‌گوید، قسم به قرآنی که از حفظ داری، شعری از شعر تو زیباتر ندیده‌ام، همه دلیل بر خودستایی است.
- ۴- گزینه‌ی ۲
از آن جا که فعل جمله (برداشته‌اند) جمع است، ناچار باید کلمه‌ی حذف‌شده جمع باشد. به‌علاوه چون این عبارت یک تشبیه است، در جای خالی باید مشبّه‌به مناسبی قرار داشته باشد.
- ۵- گزینه‌ی ۴
۶- گزینه‌ی ۴
گزینه‌های ۱ و ۳ با مصراع اول و گزینه‌ی ۲ با مفهوم مصراع دوم ارتباط دارد. قافیه‌های متناسب در سه گزینه به ترتیب: کوهسار و دچار، امیدوار و بار، خوار و شیرخوار. در بیت گزینه‌ی ۴، کلمات قافیه «گذر و خبر» است و «دریغ مدار» که در هر دو مصراع کاملاً تکرار شده است، ردیف است نه قافیه. بنابراین کلمات قافیه در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳، می‌توانند در یک شعر به کار روند ولی قافیه‌ی گزینه‌ی ۴ کلاً متفاوت است.
- ۷- گزینه‌ی ۲
۸- گزینه‌ی ۴
«درخت علم» و «شاخ معنی» در گزینه‌های ۱ و ۲، اضافه‌ی تشبیه‌ی‌اند. در گزینه‌ی ۳، «علم»، به ترتیب به «درخت، آفتاب، بحر و سحاب» تشبیه شده است.
- ۹- گزینه‌ی ۳
در این بیت، «تو» به «درخت» و «دانش» به «بار» یا میوه تشبیه شده است؛ ولی در گزینه‌های دیگر همانند بیت پرسش، «علم» به «درخت» تشبیه شده است.
- ۱۰- گزینه‌ی ۲
۱۱- گزینه‌ی ۱
تنها گزینه‌ای که به دو شکل می‌توان خواند: «می‌رساند و می‌رساند». در مقایسه با فعل گزینه‌های دیگر، فقط این گزینه را می‌توانیم گذشته به حساب بیاوریم.
- ۱۲- گزینه‌ی ۴
۱۳- گزینه‌ی ۳
۱۴- گزینه‌ی ۳
۱۵- گزینه‌ی ۴
«دوست و دشمن» در این گزینه متضادند. شکل درست کلمات غلط: نحو، مسلح، غوغا، برخاستند، غریو، نغز و فارغ.

درس دهم: عطار و جلال الدین محمد

درخت علم

- ۱- شیخ خندید و بگفتش ای سلیم
 ۲- تو به صورت رفته‌ای ای بی‌خبر
 ۳- گه درختش نام شد، گاه آفتاب
 ۴- آن یکی کیش صدهزار آثار خاست
- این درخت علم باشد ای علیم
 زان ز شاخ معنی‌ای بی‌بار و بر
 گاه بحرش نام شد، گاهی سحاب
 کم‌ترین آثار او عمر بقاست

«هلال‌الرین مفرّد، مثنوی معنوی»

معنی

- ۱ پیرمرد خندید و گفت: «ای ناقص‌عقل نادان، منظور از این درخت، علم و دانش است.» (گاهی از به کاربردن کلمه‌ای، معنی مخالف آن مورد نظر است، مانند سلیم و علیم که به معنی ناسالم و ناعالم است)
- ۲ ای انسان بی‌خبر و غافل، تو به ظاهر کلام توجه کرده‌ای و به این خاطر از معنی واقعی آن بی‌بهره مانده‌ای.
- ۳ (علم را) گاهی به «درخت» و گاه به «آفتاب» مانند کرده‌اند؛ گاهی نیز به «دریا» و «ابر» تشبیه کرده‌اند.
- ۴ علم که به‌تنهایی فایده‌ها و آثار بسیاری دارد، کم‌ترین نتیجه و فایده‌اش جاودانگی و بقاست.

بعضی نکته‌های زبانی و ادبی

- ۱ در بیت دوم، مصراع دوم، «ای» فعل دوم‌شخص مفرّد «است» می‌باشد که به صورت: ام / ای / است / ایم / اید / اند، صرف می‌شود؛ آن را با علامت منادا اشتباه نگیرید؛ یعنی مصراع دوم به این صورت است: زان ز شاخ معنی بی‌بار و بری.
- ۲ در بیت سوم، به طور ضمنی علم را به درخت، آفتاب، بحر و سحاب تشبیه کرده است.
- ۳ بیت آخر اشاره به کلام معروفی دارد: «العلماء باقون ما بقی الدهر»؛ یعنی دانشمندان تا آن زمان که دنیا برجاست نامشان باقی است.

درس دوازدهم

دوستی

بدان، ای پسر که مردمان تا زنده‌اند از دوستان ناگزیرند که مرد اگر بی‌برادر باشد به که بی‌دوست، از آن که حکیمی را پرسیدند که دوست بهتر یا برادر؟ گفت: «برادر نیز، دوست به.»

پس به کار دوستان اندیشه کن و دوستی ایشان به مردمی و احسان، تازه دار و چون دوست نوگیری، پشت بر دوستان کهن مکن. دوست، همی‌طلب و دوستان کهن را بر جای همی‌دار تا همیشه بسیار دوست داشته باشی و دیگر با مردمانی که با تو به راه دوستی روند و «نیم‌دوست» باشند، نیکویی و سازگاری کن و در هر نیک و بد، به ایشان مشفق باش تا چون از تو مردمی بینند، دوست یکدل شوند.

«عنصر المعالی کیلاووس، قابوس‌نامه»

معنی

ای پسر، بدان که انسان‌ها تا زمانی که زنده‌اند، به داشتن دوست نیازمندند، چرا که انسان اگر بی‌برادر باشد، بهتر از آن است که بدون دوست باشد؛ زیرا از دانایی پرسیدند که دوست بهتر است یا برادر؟ گفت: «برادر هم اگر دوست باشد، بهتر است.»

پس، درباره‌ی دوستانت فکر کن و دوستی با آن‌ها را با رفتارهای انسانی و نیکوکاری، شاداب و تازه کن. اگر دوست تازه‌ای پیدا کردی، به دوستان قدیمی‌ات بی‌اعتنایی و بی‌توجهی نکن. همواره دوست پیدا کن و دوستان قبلی را هم نگره دار تا همیشه دوستان زیادی داشته باشی. دیگر این‌که، با کسانی که با تو رفتار دوستانه دارند، و نیمه‌دوست باشند، خوب رفتار کن و با آن‌ها سازگار باش و در بد و خوب زندگی با آن‌ها مهربان و دلسوز باش تا با دیدن رفتار انسانی تو، با تو صمیمی و یکدل شوند.

مشاوره

مشاورت کردن در کارها از قوی‌رایی مردم باشد و از تمام‌عقلی و پیش‌بینی؛ چه، هر کس را دانشی باشد و هر یکی چیزی داند؛ یکی بیشتر و یکی کم‌تر و یکی دانشی دارد و هرگز کار نبسته است و نیازموده و یکی همان دانش داند و کار بسته است و آزموده. مثلاً این چنان باشد که یکی باشد که که بسیار سفرها کرده باشد و جهان بسیار دیده و سرد و گرم چشیده و در میان کارها بوده، با آن کس برابر نتوان کرد که هرگز سفر نکرده باشد و ولایت‌ها ندیده، و از این رو گفته‌اند: «تدبیر با دانایان و پیران و جهان‌دیدگان باید کرد.»

و نیز یکی را خاطر تیزتر باشد و در کارها زودتر تواند دید و یکی کندفهم باشد و تدبیر ده‌تنه چون زور ده‌مرده باشد. همه‌ی جهانیان متفق‌اند که هیچ آفریده، داناتر از پیغمبر (ص) نبوده است و با این همه فضیلت و معجزات که او را بود، خدای (تعالی) او را می‌فرماید: ﴿وَلَا يَأْتِيهِ فِي الْأَمْرِ﴾ یا محمّد، چون کاری کنی و یا مهمتی تو را پیش آید، با یاران خویش تدبیر کن.

مشورت ناکردن در کارها، ضعیف‌رایی باشد و هیچ شغلی بی‌مشورت، نیکو نیاید.

«فوايه نظام الملك توسی، سیاست‌نامه»

معنی

مشورت و هم‌فکری در کارها، نشانه‌ی توانایی فکر، کمال عقلی و آینده‌نگری انسان است، زیرا هر انسانی دانشی دارد و هر کسی چیزی می‌داند؛ یکی بیشتر می‌داند و یکی کم‌تر. (ممکن است) کسی باشد که دانشی داشته باشد، ولی هرگز از آن استفاده نکرده و آزمایش نکرده باشد و کسی هم باشد که همان دانش را استفاده کرده و تجربه داشته باشد. این مثل آن است که یک نفر سفرهای زیادی رفته باشد و بسیار دنیا دیده و با تجربه باشد و در جریان خیلی کارها بوده باشد؛ چنین کسی را نمی‌توان با کسی مقایسه کرد که هرگز سفر نکرده و سرزمین‌ها را ندیده است. به این خاطر است که گفته‌اند: «در کارها باید با دانایان، پیران و انسان‌های دنیا دیده چاره‌اندیشی و مشورت کرد.»

به‌علاوه، بعضی تیزهوش‌ترند و مصلحت کارها را زودتر تشخیص می‌دهند و بعضی دیرفهم‌اند. چاره‌جویی ده‌نفره، مثل زور ده‌نفره است. همه‌ی مردم دنیا در این باره هم‌عقیده‌اند که هیچ آفریده‌ای از پیغمبر (ص) داناتر نبوده است و با وجود این همه، برتری و معجزاتی که داشت، خداوند والا به او می‌فرماید: «در کارها با مردم مشورت کن.» ای محمّد، در کارها و مسائل مهم، با یاران خود چاره‌جویی کن.

مشورت نکردن در کارها، نشانه‌ی فکر ناتوان است و هیچ کاری بدون مشورت، درست انجام نمی‌گیرد.

شیر خدا

الفتی داشته با این دل شب
دل شب، محرم سرّ الله است
جوشش چشمه‌ی عشق ازلی
مسجد کوفه هنوزش مدهوش
چشم بیدار علی خفته نیافت
می‌برد شام یتیمان عرب
خفت در خوابگاه پیغمبر
حلقه‌ی در، شد از او دامن‌گیر
که علی بگذر و از ما مگذر
جان عالم به فدای تو علی

۱- علی آن شیر خدا شاه عرب
۲- شب ز اسرار علی آگاه است
۳- شب شنفته است مناجات علی
۴- کلماتی چو در آویزهی گوش
۵- فجر تا سینه‌ی آفاق شکافت
۶- ناشناسی که به تاریکی شب
۷- عشق‌بازی که هم‌آغوش خطر
۸- آن دم صبح قیامت‌تأثیر
۹- دست در دامن مولا زد در
۱۰- شب‌روان، مست ولای تو علی

«مهم‌ترین بویخت تبریزی (شهریار)»

معنی

- ۱ حضرت علی (ع) که همچو شیر، شجاع و پادشاه عرب بود، با تاریکی شب دوستی و صمیمیتی داشته است.
- ۲ شب از رازهای حضرت علی (ع) و راز و نیازهای او با خدایش باخبر است، چرا که تاریکی شب رازدار اسرار الهی است.
- ۳ شب، رازونیز علی را با خدایش شنیده است، همان راز و نیازهایی که از عشق همیشگی او به خدا همانند چشمه‌ای از درون او می‌جوشید.
- ۴ سخنانی که همانند مروارید، زینت گوش‌های مردم بود و مسجد کوفه (مردمی که در مسجد بودند)، هنوز از تأثیر سخنان ارزشمند او حیرت‌زده و بیهوش است.
- ۵ هیچ‌گاه سپیده‌دم از کرانه‌ی آسمان طلوع نکرد که در آن هنگام حضرت علی (ع) در خواب بوده باشد.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱- با توجه به بیت‌های زیر، کدام بیت به ناتوانی انسان بیشتر اشاره دارد؟

- | | |
|-----------------------------------|--------------------------------|
| ۱- جهان جمله، فروغ نور حق دان | حق اندر وی، ز پیدایی است پنهان |
| ۲- خرد را نیست تاب نور آن روی | برو از بهر او، چشم دگر جوی |
| ۳- در او هر چه بگفتند از کم و بیش | نشانی داده‌اند از دیده‌ی خویش |
| ۴- به نزد آن‌که جانش در تجلی است | همه عالم کتاب حق تعالی است |

- (۱) بیت یک (۲) بیت دو (۳) بیت سه (۴) بیت چهار

۲- بیت زیر با کدام یک از گزینه‌ها ارتباط معنایی کم‌تری دارد؟

«سیمرغ و عقاب و باز و شاهین ذکر تو کند در آشیان‌ها»

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) بی‌یاد تو نیست هیچ مرغی | در سبزه و باغ و بوستان‌ها |
| ۲) ز بهر نیایش سر و تن بشست | یکی پاک جای پرستش بجست |
| ۳) هر گل و برگی که هست یاد خدا می‌کند | بلبل و قمری چه خواند؟ یاد خداوندگار |
| ۴) هر کس به طریقی صفت و حمد تو گوید | بلبل به غزل‌خوانی و قمری به ترانه |

۳- مفهوم کدام گزینه با بقیه ارتباطی ندارد؟

- | | |
|-------------------------------|---------------------------|
| ۱) سیمرغ و عقاب و باز و شاهین | ذکر تو کند در آشیان‌ها |
| ۲) هرگز نرسد به منزل عشق | بی‌بدرقه‌ی تو کاروان‌ها |
| ۳) بی‌یاد تو نیست هیچ مرغی | در سبزه و باغ و بوستان‌ها |
| ۴) جبریل و ملائک مقرب | ذکر تو کند در آسمان‌ها |

۴- نسبت معنایی «مُحال» و «ممکن» با کدام گزینه همانند است؟

- (۱) ارج و ارزش (۲) مثنوی و قالب (۳) نشیب و فراز (۴) کندفهمی و قوی‌رأی

۵- «سخنی در نهان نباید گفت / که بر انجمن نشاید گفت» از سعدی، به کدام حکمت یا ضرب‌المثل اشاره دارد؟

- | | |
|----------------------------------|--|
| ۱) پیش دروغگو همه کس بی‌جواب است | ۲) بالابالاها می‌نشیند، بزرگ‌بزرگ حرف می‌زند |
| ۳) خاموشی ز نادان سخت نیکوست | ۴) هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد |

۶- در بیت «علم چندان که بیشتر خوانی / چون عمل در تو نیست نادانی»، علت نادانی از نظر سعدی چیست؟

- (۱) بیشتر علم‌داشتن (۲) عمل نکردن به علم (۳) کم علم‌داشتن (۴) بی‌توجهی به علم

۷- مفهوم بیت زیر از بوستان سعدی در کدام گزینه آمده است؟

«ندارد کسی با تو ناگفته کار ولیکن چو گفتی، دلیلش بیار»

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱) آدم بی‌ادعا، بازخواست نمی‌شود. | ۲) باید برای گفته‌های خود مدرک داشت. |
| ۳) تا داوطلب نشوی، کاری از تو نمی‌خواهند. | ۴) حرفی بزن که قابل اثبات باشد. |

۸- کدام گزینه با مفهوم بیت «دادند دو گوش و یک زبانت ز آغاز / یعنی که دو بشنو و یکی بیش مگوی» ارتباط کم‌تری دارد؟

- | | |
|-------------------------------------|-------------------------------|
| ۱) هر چه در دل داری بر زبان می‌آور. | ۲) کم‌تر از مقدار شنیدنت بگو. |
| ۳) بیشتر از حرف زدنت، گوش بده. | ۴) زیاد نگو ولی زیاد بشنو. |

۳۶- معنی عبارت «هر که از شما به زاد بزرگ تر باشد، وی را بزرگ تر دارید» به کدام گزینه نزدیک تر است؟

- ۱) در بین شما هر که زاد و توشه‌ی بیشتری داشت، بیشتر به او احترام بگذارید.
- ۲) هر کس دارای فرزندان بیشتری بود مورد احترام دیگران است.
- ۳) در بین شما، هر کس سن بیشتری داشت، برای او احترام قائل باشید.
- ۴) هر کس نسبتش به شما نزدیک تر بود، او را محترم تر از دیگران بدانید.

۳۷- شاعر در کدام گزینه ناراستی را با دشمنی یکسان می‌داند؟

- | | |
|---------------------------------|------------------------------|
| ۱) مکن دوستی با دروغ‌آزمای | همان نیز با مرد ناپاک‌رای |
| ۲) هر آن کس که با تو نگوید درست | چنان دان که او دشمن جان دوست |
| ۳) هر آن کو که گردد به گرد دروغ | ستمکاره خوانیمش و بی‌فروغ |
| ۴) سخن‌گفتن کژ ز بیچارگی است | به بیچارگان بر ببااید گریست |

۳۸- مفهوم «ضرب‌المثل کار نیکوکردن از پرکردن است» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) انسان باید ساعات زندگی را با نیکوکاری پر کند.
- ۲) نیکوکاری تنها به نیکو سخن‌گفتن نیست.
- ۳) خوب انجام‌شدن کار از تمرین و تکرار است.
- ۴) کار را باید به آدمی شایسته و لایق سپرد.

۳۹- کدام یک از گزینه‌های زیر با عبارت «هر که خاموشی اختیار کند، رستگار شود» ارتباط معنایی بیشتری دارد؟

- | | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱) سخن را سر است ای خردمند و بُن | می‌اور سخن در میان سخن |
| ۲) که ای زشت‌کردار زیبا سخن | نخست آن چه گویی به مردم، بکن |
| ۳) چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست | سخن‌شناس نه‌ای جان من، خطا این‌جاست |
| ۴) سخن گرچه هر لحظه دلکش‌تر است | چو بینی، خاموشی از آن خوش‌تر است |

۴۰- مفهوم کلی «عمر گرانباه در این صرف شد/ تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) هدررفتن عمر انسان در کارهای بیهوده
- ۲) به دنبال هم آمدن و گذشتن فصل‌ها
- ۳) ارزش‌نهادن به خوردن و پوشیدن
- ۴) کوتاه‌بودن دوران لذت انسان از زندگی

پاسخ‌نامه‌ی تشریحی

- ۱- گزینه‌ی ۲
 - ۲- گزینه‌ی ۲
 - ۳- گزینه‌ی ۲
 - ۴- گزینه‌ی ۳
 - ۵- گزینه‌ی ۴
 - ۶- گزینه‌ی ۲
 - ۷- گزینه‌ی ۳
 - ۸- گزینه‌ی ۱
 - ۹- گزینه‌ی ۳
 - ۱۰- گزینه‌ی ۲
 - ۱۱- گزینه‌ی ۱
- در این بیت به ناتوانی خرد انسان در شناخت و درک خداوند اشاره شده است.
در سه گزینه‌ی دیگر صحبت از هر چیز و هر کس است که به یاد خداست و بی‌یاد او نیست؛ ولی در گزینه‌ی ۲، خبر از عبادت یک نفر است.
مفهوم و موضوع مشترک در سه گزینه‌ی دیگر «ذکر و یاد خداوند» است که در گزینه‌ی ۲ نیست.
«محال» و «ممکن» نسبت به هم متضادند و تنها دو کلمه‌ی متضاد در گزینه‌ها «نشیب» و «فراز» است.
بیت توصیه می‌کند که سخنی را که نمی‌توان در جمع گفت، پنهانی هم مطرح نشود بهتر است؛ بنابراین، هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد و هر حرفی را هر جایی نباید زد.
سعدی معتقد است علم هر چه قدر هم که زیاد باشد، تا بدان عمل نشود، چیزی جز نادانی نیست.
معنی بیت بوستان چنین است: تا حرفی زده‌ای کسی با تو کاری ندارد؛ ولیکن وقتی سخنی بر زبان آوردی و ادعایی کردی، باید دلیل آن را هم بگویی و آن را اثبات کنی.
هر چه در دل داری بر زبان می‌آور.
فردوسی در این بیت به روشنی می‌گوید که وقتی رستم زن جادو را با خنجر به دو نیم می‌کند، این کار او باعث وحشت در دل جادوان شد.
در کتاب درسی به این عبارت برمی‌خوریم: «بار سوم، رخس به تنگ می‌آید و چاره‌ای جز بیدارکردن رستم ندارد.»
خدای جبرئیل را بفرستاد تا او را بیاموخت: (خدا جبرئیل را فرستاد تا به او یاد داد).

خیره	در این درس به معنی بیهوده
دروغ آزمای	دروغگو، دروغ‌زن
راغب	علاقه‌مند، مشتاق
زوال	نابودی
سبک	در این درس به معنی بی‌مقدار، خوار
سلاطین	جمع سلطان، فرمانروایان
سِیِّم	سوم
شدّت	سختی، رنج
عجایب	جمع عجیب، شگفتی‌ها

محنت	رنج، سختی
مستمع	شنونده، مخاطب
مَلَك	فرشته
مَلِك	پادشاه
مُلک	پادشاهی، فرمانروایی
مِلک	زمین، دارایی
ملول	غمگین، آزرده
ناپاک‌رای	بدفکر، بداندیش، بدنیت
وقت‌وقت	گه‌گاه

درس هفدهم

آخر الزّمان	آخر دنیا، آن زمان که عمر دنیا به پایان می‌رسد، روز قیامت
ادّعا	چیزی را درخواستن
بدخو	بداخلاق
بَر کردن	روشن کردن
بزرگ‌تر عطاها	بزرگ‌ترین عطاها
برون ز آن که	بی آن که
چرخ زدن	گردش کردن
حرمت	احترام‌گذاشتن
حکما	جمع حکیم، دانشمندان
خشنود	راضی
دروغ‌زن	دروغگو
دریغ داشتن	بازداشتن، محروم کردن
رستگار	نجات یافته، رها شده
روزگار یافتن	عمر دراز یافتن
روشن‌بصر	روشن‌بین، دانا
زاد	بسن، زمان عمر
زینهار	زنهار، آگاه باش، مبادا
ستوده	ستایش شده، پسندیده
عَزَّوَجَلَّ	عَزَّ: عزیز است؛ جَلَّ: بزرگووار است

عطا	بخشش
عُلَمَا	جمع عالم
غلام	در این درس به معنی نوکر
غوغا	سروصدا، هیاهو
فلک	ابزاری در مکتب‌خانه‌های قدیم برای تنبیه
قانع	خرسند، راضی
قید و بند	وابستگی
گران	سنگین، محکم
گِرَوَم (گرویدن)	باور کردن، ایمان آوردن
گواهی دادن	شهادت دادن
لطف طبع	خوبی و شیرین‌سخنی
محفّل	مجلس
مدّعی	ادّعاکننده، کسی که می‌گوید حق به جانب اوست.
مست چیزى بودن	عاشق چیزى بودن
نیکو‌خوی	خوش‌اخلاق
وصیّت	سفارش، آنچه که انسان پیش از مرگ به بازماندگان خود سفارش می‌کند.
هلاک	مرگ، نیستی
یارگیری	کمک، حمایت

- | | | |
|---|--|---|
| <input checked="" type="checkbox"/> -۶۸ | <input checked="" type="checkbox"/> -۶۷ | <input checked="" type="checkbox"/> -۶۶ |
| <input checked="" type="checkbox"/> -۷۱ | <input checked="" type="checkbox"/> -۷۰ | <input checked="" type="checkbox"/> -۶۹ |
| <input checked="" type="checkbox"/> -۷۴ | <input checked="" type="checkbox"/> -۷۳ | <input checked="" type="checkbox"/> -۷۲ |
| <input checked="" type="checkbox"/> -۷۷ | <input checked="" type="checkbox"/> -۷۶ | <input checked="" type="checkbox"/> -۷۵ |
| <input checked="" type="checkbox"/> -۸۰ | <input checked="" type="checkbox"/> -۷۹ | <input checked="" type="checkbox"/> -۷۸ |
| <input checked="" type="checkbox"/> -۸۳ | <input checked="" type="checkbox"/> -۸۲ | <input checked="" type="checkbox"/> -۸۱ |
| <input checked="" type="checkbox"/> -۸۶ | <input checked="" type="checkbox"/> -۸۵ | <input checked="" type="checkbox"/> -۸۴ |
| <input checked="" type="checkbox"/> -۸۹ | <input checked="" type="checkbox"/> -۸۸ | <input checked="" type="checkbox"/> -۸۷ |
| <input checked="" type="checkbox"/> -۹۲ | <input checked="" type="checkbox"/> -۹۱ | <input checked="" type="checkbox"/> -۹۰ |
| <input checked="" type="checkbox"/> -۹۵ | <input checked="" type="checkbox"/> -۹۴ | <input checked="" type="checkbox"/> -۹۳ |
| <input checked="" type="checkbox"/> -۹۸ | <input checked="" type="checkbox"/> -۹۷ | <input checked="" type="checkbox"/> -۹۶ |
| | <input checked="" type="checkbox"/> -۱۰۰ | <input checked="" type="checkbox"/> -۹۹ |

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

- ۱- کدام گزینه با «ذکر» هم‌خانواده است؟
 (۱) مرکز (۲) مذکور (۳) متمرکز (۴) مراکز
- ۲- «هوشیار» با کدام گزینه متضاد است؟
 (۱) پریشان (۲) گمراهی (۳) نادانی (۴) غافل
- ۳- در کدام گزینه نوع رابطه‌ی واژگان با بقیه فرق دارد؟
 (۱) سوسن و نرگس (۲) خلق و خلقت (۳) بلبل و قمری (۴) گل و برگ
- ۴- واژگان کدام گزینه هم‌خانواده نیست؟
 (۱) عزت و اعزاز (۲) تلفظ و ملفوظ (۳) مقصود و اقتصاد (۴) طمع و طعمه
- ۵- کدام گزینه با بقیه هم‌خانواده نیست؟
 (۱) معلوم (۲) ملعون (۳) تعلّم (۴) اعلام
- ۶- واژگان کدام گزینه، هم‌خانواده نیست؟
 (۱) شخصی و خصوصی (۲) استراحت و راحت (۳) تصمیم و مصمّم (۴) زحمت و ازدحام
- ۷- کدام گزینه هم‌خانواده‌ی «مَحْرَم» نیست؟
 (۱) حرام (۲) احترام (۳) حرمت (۴) رحمت
- ۸- کدام یک از جفت‌واژه‌های زیر مترادف نیست؟
 (۱) تواضع و مهربانی (۲) صبر و تحمل (۳) آسوده و فارغ (۴) ناراحتی و رنجش
- ۹- معنی کدام گزینه صحیح نیست؟
 (۱) در خشم شدن: عصبانیت (۲) به تنگ آمدن: ناشکیبایی (۳) تیمارکردن: مراقبت (۴) اسب برانگیختن: انتخاب اسب
- ۱۰- کدام گزینه جمع است؟
 (۱) پایان (۲) مازندان (۳) زابلستان (۴) بندگان
- ۱۱- منظور از «گردی» و «دستگاه» در مصراع «تو دادی مرا گردی و دستگاه» چیست؟
 (۱) هیكل تنومند و قدرت (۲) پهلوانی و نیرو (۳) پهلوانی و سلاح جنگ (۴) قدرت و وسیله‌ی نبرد

۷۲- رابطه‌ی واژگان کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- (۱) دعا و دعوت (۲) شروع و شریعت (۳) خراج و مخارج (۴) گرانبمایه و باارزش

۷۳- در کدام گزینه رابطه‌ی کلمات مانند «امیر و امرا» است؟

- (۱) عمر و عمارت (۲) خدمت و مخدوم (۳) سلطان و سلاطین (۴) تشکر و شاکر

۷۴- در کدام گزینه مترادف به کار رفته است؟

- (۱) گروه ما ریشه‌ی همه‌ی پدیده‌ها را در اخلاق نیکو و رفتار پسندیده می‌داند.
 (۲) ارزش هر چیز به اندازه‌ی نقش و عملکرد مفید او در اجتماع است.
 (۳) برای کشف و شناخت بیشتر زیبایی‌های آفرینش باید به تفکر پردازیم.
 (۴) باید همه چیز را به صورت دقیق و علمی مشاهده کرد و از پرسیدن نهراسید.

۷۵- واژگان کدام گزینه متضاد نیست؟

- (۱) آغاز و انجام (۲) پسندیده و ناپسند (۳) ایمان و بی‌ایمان (۴) ابتدا و انتها

پاسخ‌نامه‌ی تشریحی

- ۱- گزینه‌ی ۲ (ذک ر) حروف اصلی است که در مذکور هم به ترتیب آمده است؛ حروف اصلی گزینه‌های دیگر (رک ز) است.
- ۲- گزینه‌ی ۴
- ۳- گزینه‌ی ۲ کلمات این گزینه هم‌خانواده‌اند و بقیه نوعی مراعات‌نظیر یا تناسب معنایی دارند.
- ۴- گزینه‌ی ۴ «طعم» از ریشه‌ی (ط م ع) است، بنابراین با واژگانی همچون: «طَمَاع» و «مَطَامِع»، هم‌خانواده است. «طعمه» از ریشه‌ی (ط ع م) است و با واژگانی مثل: «طعم» و «طعام» هم‌خانواده است.
- ۵- گزینه‌ی ۲ «ملعون» از ریشه‌ی (ل ع ن) است و با واژه‌های «لعن» و «لعنت» هم‌خانواده است. بقیه‌ی گزینه‌ها از ریشه‌ی (ع ل م) هستند.
- ۶- گزینه‌ی ۱ «شخصی» از ریشه‌ی (ش خ ص) است ولی «خصوصی» از ریشه‌ی (خ ص ص) است.
- ۷- گزینه‌ی ۴ سه گزینه‌ی دیگر از ریشه‌ی (ح ر م) است و گزینه‌ی (۴) از ریشه‌ی (ر ح م) است.
- ۸- گزینه‌ی ۱ «تواضع» با فروتنی و مهربانی با محبت و لطف مترادف می‌تواند باشد.
- ۹- گزینه‌ی ۴ اسب برانگیختن: تاختن اسب
- ۱۰- گزینه‌ی ۴ «بندگان» جمع «بنده» است. «ان» در آخر کلمات سه گزینه‌ی دیگر علامت جمع نیست.
- ۱۱- گزینه‌ی ۲ «گردی» به معنی پهلوانی است و «دستگاه» در این شعر به معنی قدرت و نیرو است.
- ۱۲- گزینه‌ی ۲ «توقف» از ریشه‌ی (و ق ف) است و گزینه‌های دیگر از ریشه‌ی (و ف ق) هستند.
- ۱۳- گزینه‌ی ۱ «صبور» از ریشه‌ی (ص ب ر) است و گزینه‌های دیگر از ریشه‌ی (ب ص ر) است.
- ۱۴- گزینه‌ی ۳ «صبر و شکیبایی» مترادف‌اند ولی بقیه‌ی گزینه‌ها متضادند.
- ۱۵- گزینه‌ی ۲ این گزینه از ریشه‌ی (ح س ن) است و گزینه‌های دیگر از ریشه‌ی (ح س س) هستند.
- ۱۶- گزینه‌ی ۳
- ۱۷- گزینه‌ی ۲ «مرتضی» از ریشه‌ی (ر ض ی) است ولی «مریض» از ریشه‌ی (م ر ض) است. ریشه‌ی گزینه‌های دیگر، به ترتیب: (۱) (ن ظ ر)، (۳) (خ ط ر) و (۴) (ط ل ب).
- ۱۸- گزینه‌ی ۴ «ارث» از ریشه‌ی (و ر ث) است که با وارث، موروث، ارثیه، توارث و میراث هم‌خانواده است. «مرثیه» و «رثاء» از ریشه‌ی (ر ث ی) است.
- ۱۹- گزینه‌ی ۳ «ولا» یعنی دوستی و محبت.

درس نهم

- ۷۰- حُجره، هجره
۷۱- تألیف، تعلیف
۷۲- اساسی‌ترین، اثاثی‌ترین
۷۳- تأخیر، تعخیر
۷۴- حافظه، حافظه
۷۵- رَهلت، رحلت
۷۶- مظلومیّت، مظلومیّت
۷۷- اصلحه، اسلحه
۷۸- مسلّح، مسلّح
۷۹- هجر و دوری، حجر و دوری
۸۰- غریب و ناآشنا، قریب و ناآشنا
۸۱- مرحمت، مرهمت
۸۲- قوطه‌ور، غوطه‌ور
۸۳- اجابت، عجابت
۸۴- نذر، نزر

درس دهم

- ۸۵- دل‌پذیر، دل‌پذیر
۸۶- هیجان‌انگیز، هیجان‌انگیز
۸۷- ثمرقند، سمرقند
۸۸- اصرارنامه، اصرارنامه
۸۹- بدرغه، بدرقه
۹۰- نَصخه، نسخه
۹۱- تمسخر، تمسخر
۹۲- سلیم، سلیم
۹۳- مراقب و مواظب، مراغب و مواظب
۹۴- سحاب آسمان، صحاب آسمان
۹۵- عمر بغا، عمر بقا

درس یازدهم

- ۹۶- جرعت، جرأت
۹۷- طاقت، طاقت
۹۸- اصرار و پافشاری، اسرار و پافشاری
۹۹- اذان، ازان

درس دوازدهم

- ۱۰۰- ناگزیر، ناگزیر
۱۰۱- مشفق، مشفق
۱۰۲- فظیلت، فضیلت
۱۰۳- معجزات، معجزات
۱۰۴- شغل، شغل
۱۰۵- الفت، الفط
۱۰۶- مَحرم، مَهرم
۱۰۷- ازلی، عزلی
۱۰۸- مدحوش، مدهوش

درس سیزدهم

- ۱۱۰- مشقت، مشقت
۱۱۱- مذلت، مزلت
۱۱۲- صیف‌وشتا، سیف‌وشتا

درس چهاردهم

- ۱۱۳- قنچه، غنچه
۱۱۴- بزّاز، بزّاذ
۱۱۵- سپاس‌گزار، سپاس‌گذار
۱۱۶- متأسّف، متأسّف
۱۱۷- بی‌انصافی، بی‌انصافی
۱۱۸- صواب و پاداش، ثواب و پاداش

درس پانزدهم

- ۱۲۰- قصّه، غصّه
۱۲۱- موسم، موسم
۱۲۲- نیفتاد، نیفتاد
۱۲۳- حیمه، هیمه
۱۲۴- خوار و ناچیز، خار و ناچیز

درس شانزدهم

۱۲۵- مَهنت، محنت	۱۲۶- تَسَلَى، تَصَلَى	۱۲۷- ذوال، زوال
۱۲۸- صلاطین، سلاطین	۱۲۹- اداکردن، عداکردن	۱۳۰- لایغ، لایق
۱۳۱- راقب، راغب	۱۳۲- مُهال، مُحال	۱۳۳- گذف، گزاف
۱۳۴- حاضران، حاضران		

درس هفدهم

۱۳۵- وصیت، وسیت	۱۳۶- دریغ، دریق	۱۳۷- زینهار، زینحار
۱۳۸- حُرمت، هرمت	۱۳۹- غوقا، غوغا	۱۴۰- لطف طبع، لطف تبع
۱۴۱- مَدعی، مَدئی	۱۴۲- حصیر، حسیر	۱۴۳- مهفل، محفل

● در جمله‌های زیر، کلمه‌هایی از واژگان کتاب یا هم‌خانواده‌های آن‌ها برای پرسش‌های املائی انتخاب شده‌است؛ املائی درست را انتخاب کن:

- ۱- معلّم درس هدیه‌های آسمانی درباره‌ی (فضائل / فظائل) نماز اول وقت برایمان سخن گفت.
- ۲- (غافل / قافل) منشین نه وقت بازی‌ست / وقت هنر است و سرفرازی‌ست
- ۳- اگر کسی بخواهد روشنایی در دل (بیفزاید / بیافزاید) باید در کار خالق و مخلوق اندیشه کند.
- ۴- فرصت‌های زودگذر را (قنیمت / غنیمت) بشماریم تا بعدها پشیمان نشویم.
- ۵- هنگام راه‌رفتن بر روی برف و یخ، باید مواظب باشیم که دچار (لغزش / لقرش) نشویم.
- ۶- (حکاکای / هکاکای) روی سنگ، یکی از انواع هنرهای دستی کهن است.
- ۷- او در آزمون املا، در تشخیص کلمه‌ی درست دچار (اشتباخ / اشتباه) شد.
- ۸- اگر هر کس (وظایف / وضایف) خود را در برابر جامعه انجام دهد، دنیای بهتری خواهیم داشت.
- ۹- همه پشتکارش را برای ادامه‌ی تحصیل (تحصین / تحسین) می‌کردند.
- ۱۰- معلّم هم (انتهای / انتحای) کلاس نشسته بود و به فکر فرو رفته بود.
- ۱۱- فاطمه به نمایندگی از گروه خود (برخواست / برخواست).
- ۱۲- بسیار بخوانیم و درباره‌ی دیده‌ها، شنیده‌ها و خواننده‌ها بپرسیم و از پرسیدن (نحراسیم / نهراسیم).
- ۱۳- آن‌ها بازی نمی‌کنند؛ بلکه دام و تله می‌گذارند تا تو و (امثال / امسال) تو را در دام بیندازند.
- ۱۴- هدهد گفت: خاطر شما آسوده باشد. من (حواسم / هواسم) جمع جمع است.
- ۱۵- این گرفتاری از طمع نبود. (قسمت / قصمت) و سرنوشت بود و با سرنوشت هم نمی‌توان جنگید.
- ۱۶- کلاغ زیبا و خوش‌آواز نیست که او را در (قفس / قفص) نگاه دارند.
- ۱۷- آدم‌های تنبل و خطاکار می‌خواهند برای کارهای خود (بحانه / بهانه) بیاورند.
- ۱۸- گرفتارشدن تو در اثر (غفلت / قفلت) بود و نجات تو هم نشان آن است که هنوز عمر تو به پایان نرسیده است.
- ۱۹- رکاب‌دار سراسیمه از کوه پایین آمد و آن‌چه را دیده بود به (ارض / عرض) رساند.
- ۲۰- رکاب‌دار (سؤال / سؤال) کرد که چه چیز موجب گریه‌ی شما شده است؟
- ۲۱- (صواب / ثواب) آن است که آدمی کمتر سخن بگوید و بیشتر گوش دهد.
- ۲۲- شنیدن (نغمه / نغمه‌ی) پرندگان باغ، وجودش را از شادی لبریز می‌کرد.

موضوعات دستوری کتابتون فیلی زیاد نیست؛ به همین خاطر توی قسمت دانش‌های ادبی و زبانی بهش پرداختیم؛ ولی واقعیت اینه که در فیلی از آزمون‌ها اصلاً به این‌که این سؤال اصلاً با دانش‌آموز ششم تناسبی داره یا نه، کاری ندارن. سؤال دستور می‌دن در هر ۴ ماهه‌ای! واسه همین هم صلاح دیریم موضوعات دستوری رو که توی آزمون‌های مختلف دیریم. به صورت جداگانه با ترتیب منطقی بیاریم. تا طرفدارای فیلی سبز، کم نیارن. البته، ۹۰ تا پرسش دستوری ویژه هم براش گذاشتیم که توپ توپ شه.

فعل

کلمه‌ای است که انجام کاری یا رخ دادن و نسبت دادن حالتی را در زمانی خاص و با شخصی خاص بیان می‌کند: «می‌نویسم» یک فعل است؛ زیرا:

- ۱ نشان می‌دهد عملی انجام گرفته (نوشتن)
- ۲ این عمل در زمانی خاص انجام شده (زمان حال)
- ۳ توسط شخصی معین انجام گرفته (من)

گاهی فعل، رخ دادن و نسبت دادن حالتی را بیان می‌کند نه انجام کاری را؛ به مثال‌های زیر توجه کنید:

- آسمان ابری شد.
- امروز از دیروز گرم‌تر است.
- او با من دوست بود.

در جمله‌ی اول، «شد» حالت ابری را به آسمان نسبت می‌دهد؛ در جمله‌ی دوم، «است» حالت گرم‌تر را به امروز نسبت می‌دهد و در جمله‌ی سوم، «بود» دوستی را به او نسبت می‌دهد؛ بنابراین کلمات «شد، است و بود» نیز فعل حساب می‌شوند.

اجزای تشکیل‌دهنده‌ی فعل

۱- شناسه

در تعریف فعل گفتیم که یکی از اصلی‌ترین خصوصیات فعل، داشتن شخص است؛ بیشتر در آخر فعل‌ها یک یا دو حرف هست که نشان می‌دهد:

- ۱ فعل توسط یک نفر (مفرد) یا بیشتر از یک نفر (جمع) انجام گرفته.
- ۲ انجام‌دهنده‌ی فعل، گوینده (اول شخص) است یا شنونده (دوم شخص) است و یا دیگرکس (سوم شخص).

به این یکی دو حرف، «شناسه» می‌گویند. همه‌ی فعل‌ها دارای شناسه‌اند؛ بنابراین می‌توانیم بگوییم:

«فعل کلمه‌ای است که دارای شناسه باشد»

مثال	می‌نویسم	می‌نویسی	می‌نویسد	می‌نویسیم	می‌نویسید	می‌نویسند
م	← شناسه‌ی اول شخص مفرد			یم	← شناسه‌ی اول شخص جمع	
ی	← شناسه‌ی دوم شخص مفرد			ید	← شناسه‌ی دوم شخص جمع	
د	← شناسه‌ی سوم شخص مفرد			ند	← شناسه‌ی سوم شخص جمع	

۲- بن یا ریشه

در هر فعلی قسمتی وجود دارد که هنگام صرف کردن (بیان کردن یک فعل با شخص‌های ششگانه) کاملاً تکرار می‌شود؛ این قسمت فعل، جزء اصلی و اولیّه‌ی ساختمان آن است:

مثال	می‌نویسم	می‌نویسی	می‌نویسد	می‌نویسیم	می‌نویسید	می‌نویسند
در این مثال، «نویس» بن فعل است.						

به صفت یا حالتی که فعل اسنادی به نهاد نسبت می‌دهد، «مسند» می‌گویند.

مثال

- شما برای اسلام، جمهوری اسلامی و کشورتان مفید هستید.
- علامه محمدتقی جعفری از همان کودکی، کنجکاو بود.
- او گاه دقایقی طولانی به یک گل خیره می‌شد.

در تشخیص مسند، ابتدا، مطمئن شوید که فعل جمله اسنادی است، سپس این پرسش را مطرح کنید:

نهاد + چه + فعل اسنادی؟

۱ شما چه هستید؟ مفید

۲ علامه محمدتقی جعفری، چه بود؟ کنجکاو

۳ او چه می‌شد؟ خیره

آیا می‌دانید که

به اجزای اصلی جمله (فعل، نهاد، مفعول و مسند) ارکان جمله می‌گویند؛ چرا که جمله بر این پایه‌ها استوار است. هر جمله، بسته به نوع فعلش که اسنادی باشد یا غیر آن، دارای این ارکان است. بیشتر جملات از یکی از این شکل‌ها پیروی می‌کنند:

نهاد + فعل: او رفت

نهاد + مفعول + فعل: ما غذا را خوردیم

نهاد + مسند + فعل اسنادی: هوا گرم شده است

حال ممکن است در میان این ارکان، مضاف‌الیه، صفت یا متمم هم قرار بگیرد، اما اعضای همیشگی، همین ارکان هستند.

یک راه ساده‌ی شناسایی آن‌ها این است که بدانید:

«پیش از ارکان، کسره یا حرف اضافه نیست»

متمم

مثال

• او رفت.

• او به مدرسه رفت.

• او از خانه به مدرسه رفت.

• او با دوچرخه از خانه به مدرسه رفت.

• او برای تحصیل با دوچرخه از خانه به مدرسه رفت.

هرگاه کلمه‌ای بعد از یکی از حروف اضافه‌ی (از، به، با، در، برای، مثل، مانند، بر، تا، چو، چون، بدون، بی، هم‌چو و ...) قرار بگیرد «متمم» نامیده می‌شود؛ متمم یعنی «تمام‌کننده» و کار آن در جمله این است که معنی جمله را گسترش بدهد و کامل کند.

جمله‌ی اول به خودی خود کامل است، اما جملات بعدی که دارای متمم هستند، مفهوم گسترده‌تری را بیان می‌کنند. در جملات بالا، کلمات (تحصیل، دوچرخه، خانه و مدرسه) همگی متمم هستند.

دانش‌های زبانی و ادبی توی کتاب به صورت پراکنده مطرح شده. این پراکندگی باعث می‌شه فیلی قابل جمع‌بندی برای یادگرفتن نباشه. این بود که همشونو یه جا جمع کردیم و توضیح قابل فهمی هم بهش اضافه کردیم، تا بفهمین همپنینم موضوع گنده و آشن دهن‌سوزی نبوده. شیرینی کار این‌هاست که تعداد زیادی هم پرسش‌های چهارگزینه‌ای با موضوع دانش‌های زبانی و ادبی برایش در نظر گرفته شده که شما با پاسخ‌گویی به اونا، کلاً فیاالتون از این قسمت راحت می‌شه.

انواع جمله

انواع جمله شامل خبری، پرسشی، امری و عاطفی است:

خبری

جمله‌ای است که خبری را به شنونده یا خواننده‌ی جمله می‌رساند؛ در پایان جمله‌ی خبری نقطه (.) می‌گذارند؛

مثال معلم چند کلمه را روی تخته نوشت.

پرسشی

جمله‌ای است که از خواننده یا شنونده سؤالی می‌پرسد؛ در پایان جمله‌ی پرسشی، علامت سؤال (?) می‌گذارند؛

مثال چه چیزی موجب افزایش روشنایی دل می‌شود؟

در جمله‌های پرسشی، گاهی کلماتی به کار می‌روند که حالت پرسش را ایجاد می‌کنند؛

مثال

- آیا، چرا، کدام، چند، چقدر، چه، کی، کجا و ...
- آیا تلاش شما به نتیجه‌ی خوبی می‌رسد؟
- چرا از تجربه‌ی بزرگ‌ترها استفاده نمی‌کنی؟
- کدام انسان عاقلی دست به این کار می‌زند؟
- چند روز به ماه مبارک رمضان باقی مانده است؟
- چقدر می‌توان در برابر سختی‌های روزگار مقاومت کرد؟
- چه کتابی را برای آزمون استعدادهای درخشان انتخاب می‌کنی؟
- کی از کارهای بیهوده دست می‌کشی؟
- کجا می‌توانم دوستی به خوبی تو پیدا کنم؟

نکته

۱ گاهی جمله‌ی پرسشی با کلمه‌ی پرسشی آغاز نشده است؛ در این حالت، تنها علامت سؤال و آهنگ کلام می‌تواند به ما نوع جمله را بشناساند؛

مثال

• می‌توان در برابر سختی‌های روزگار مقاومت کرد؟

• کتابی را برای آزمون استعدادهای درخشان انتخاب کرده‌ای؟

۲ گاهی در پرسش‌های چهارگزینه‌ای، برای فریب، جمله‌هایی از مصدر «پرسیدن» می‌سازند؛ حواسمان باشد گول نخوریم؛

مثال

• او مشکلات درسی‌اش را از من پرسید. (خبری)

• گه‌گاه احوال خویشان و بستگان را بپرسید. (امری)

جمله‌ای است که در آن دستور به انجام‌دادن یا انجام‌ندادن کاری داده شده است و علامت پایان آن نقطه (.) است؛

مثال پیش از سخن‌گفتن، درباره‌ی نتایج سخن خود بیندیشید.

هرگز از پند و اندرز بزرگ‌ترها ناراحت نشو.

نکته آیا می‌دانی که در جمله‌ی امری، حتماً باید فعل امر به کار رفته باشد؟ فعل امر دو شخص بیشتر ندارد:

دوم شخص مفرد: بگو، برو، بخوان، ننشین، بیاور، ببین، ... (ب + بن مضارع)

دوم شخص جمع: بگویید، بروید، بخوانید، ننشینید، بیاورید، ببینید، ... (ب + بن مضارع + ید)

بنابراین تشخیص جمله‌ی امری از روی فعل آن به راحتی امکان‌پذیر است.

جمله‌ای را می‌گویند که یکی از حالات عاطفی انسان، مانند خشم، تعجب، آرزو، اندوه، افسوس و ... را نشان دهد. علامت پایان جمله‌ی

عاطفی علامت تعجب (!) است؛

• چه هوای گرمی!

• چقدر حرف می‌زنی!

• ای کاش ستم‌کاران از زورگویی دست بردارند!

• مرگ بر دشمنان بشریت!

• افسوس، فرصت‌ها در حال از دست رفتن هستند!

نکته گاهی بعضی جملات خبری، با عاطفی اشتباه می‌شوند؛

• از دیدن شما بسیار خوشوقت شدم.

• از دیدن این همه برف شگفت‌زده شدیم.

• افسوس خوردن برای فرصت‌های گذشته، دردی را دوا نمی‌کند.

واژگان هم‌خانواده

در کتاب درسی خواندیم: «واژگانی را که دارای ریشه‌ی مشترکی باشند هم‌خانواده می‌گوییم»؛

مثال «علم، عالم، معلوم، معلّم، تعلیم و علوم»، هم‌خانواده‌اند، چرا که همه‌ی این واژگان در حروف (ع ل م) مشترک هستند.

اما این درباره‌ی واژگانی است که از زبان عربی به زبان ما وارد شده است. در زبان فارسی تمام واژگانی که یک جزء معنی‌دار مشترک داشته

باشند، هم‌خانواده به حساب می‌آیند. این جزء معنی‌دار مشترک ممکن است، ریشه یا بن یک فعل باشد،

مثال دانا، دانش، دانشمند، دانشگاه، سخن‌دان، نادان، نادانی، شیمی‌دان و ... که همگی از ریشه‌ی «دان» از دانستن هستند.

و یا ممکن است جزء مشترک، یک اسم یا صفت یا ضمیر باشد.

مثال • هنرمند، هنرجو، باهنر، بی‌هنر و ... که «هنر» جزء مشترک همه‌ی آنهاست.

• خوش‌نویس، خوش‌حال، خوش‌بخت، خوش‌فکر، ناخوش و ... که «خوش» جزء مشترک همه‌ی آنهاست.

• خودخواه، خودنویس، خودپرست، خودکار، خودآموز و ... که «خود» جزء مشترک همه‌ی آنهاست.

نکته در ریشه‌ی واژگان عربی، ممکن است یک حرف تکرار شده باشد؛

مثال

- (د ق ق) در واژگان: دقیق، دقایق، دقیقه و دقت.
 - (ح ب ب) در واژگان: حبیب، محبوب، تحبیب و محبت.
- در این واژگان هرگاه حرف تکراری در کنار هم قرار داشته باشد، کلمه دارای تشدید می‌شود؛ مثل: دقت و محبت.

بیشتر بدانیم

روش شمارش تعداد جملات یک عبارت:

برای این کار باید تعداد فعل‌ها را بشماریم، زیرا تعداد جملات یک عبارت به اندازه‌ی تعداد فعل‌های آن است؛

مثال «ریحانه از گروه اخلاق بلند شد و از معلم و بقیه‌ی بچه‌ها اجازه خواست و گفت.»

این عبارت سه جمله است، زیرا سه فعل دارد: شد، خواست و گفت.

نکته گاهی فعل جمله به دلایلی حذف می‌شود. به یاد داشته باشید که فعل‌های حذف‌شده را هم برای تعیین تعداد جمله‌ها بشمارید؛

مثال هر گل و برگی که هست یاد خدا می‌کند/ بلبل و قمری چه خواند؟ یاد خداوندگار (را خواند)

فعل جمله‌ی آخر حذف شده است.

نکته هنگام شمارش جمله‌ها، مُنادا را از یاد نبرید. «مُنادا» به عبارتی گفته می‌شود که در آن کسی یا چیزی مورد خطاب

قرار گرفته باشد؛

مثال ای مادر عزیز!

مُنادا معمولاً با حرف ندا می‌آید؛ این حروف عبارت‌اند از: ای، ایها، یا و الف در آخر اسم.

مثال

• ای دیو سپید پای در بند!

• ای ادیب هنرمند و اوستاد بزرگ!

• یا شاه مردان! یا علی!

• سعدیا، مرد نکونام نمیرد هرگز

بنابراین بیت: «ای مادر عزیز که جانم فدای تو/ قربان مهربانی و لطف و صفای تو» سه جمله است:

ای مادر عزیز که جانم فدای تو (باد) / قربان مهربانی و لطف و صفای تو (بگردم)

(۳)

(۲)

(۱)

جمله‌ی اول، منادا است و فعل دو جمله‌ی دیگر حذف شده است.

ردیف	نام و لقب و تخلص	دوره	آثار و کارها	نکته‌ها
۱۲	محمد بن علی ظهیری سمرقندی	قرن پنجم هجری	«سندبادنامه» یا کتاب «حکیم سندباد» یا داستان «هفت‌وزیر»	
۱۳	ابوعلی سینا	۳۷۰ - ۴۲۸ هـ.ق.	شفا / قانون / دانش‌نامه‌ی علایی / المباحث	حافظ قرآن و معالج نوح بن منصور سامانی
۱۴	محمدحسین بهجت تبریزی (شهریار)	۱۲۸۵ - ۱۳۶۷	منظومه‌ی ترکی حیدربابا	به دو زبان فارسی و ترکی شعر سروده
۱۵	شیخ محمود شبستری	قرن هشتم هجری	گلشن راز	
۱۶	سعدی شیرازی	قرن هفتم هجری	بوستان (به نظم) / گلستان (نثر آمیخته به نظم) / کلیات (شامل انواع قالب‌های شعری)	بوستان مثنوی است حکمی و اخلاقی در ده باب. گلستان شامل مقدمه و هشت باب
۱۷	عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر	قرن پنجم هجری	قابوس‌نامه	این کتاب نصیحتی است خطاب به گیلان‌شاه، فرزندش.
۱۸	ابوحامد محمد غزالی	۴۵۰ - ۵۰۵ هـ.ق.	کیمیای سعادت (درباره‌ی اصول دین اسلام) / نصیحة‌الملوک / احیاء علوم الدین	در نظامیه تدریس می‌کرده.
۱۹	جلال‌الدین محمد بلخی	قرن هفتم	مثنوی معنوی که شامل ۶ دفتر و ۲۶ هزار بیت است.	
۲۰	هوشنگ مرادی کرمانی	۱۳۲۳ هـ.ش	قصه‌های مجید / داستان خمره / آب‌انبار	
۲۱	سعدالدین وروینی	قرن ششم	مرزبان‌نامه	داستان‌ها و حکایاتی به زبان حیوانات که اواخر قرن چهارم، مرزبان بن رستم آن را به زبان مازندرانی کهن (طبری) نوشته است.
۲۲	نظامی گنجهای	۵۳۵ - ۶۰۷ (یا ۶۱۲ هـ.ق)	مخزن الاسرار / لیلی و مجنون / خسرو و شیرین	پیشوای داستان‌سرایی در ادب فارسی
۲۳	واعظ کاشفی	۸۴۰ - ۹۱۰ هـ.ق.	انوار سهیلی / روضة‌الشهدا / فتوت‌نامه‌ی سلطانی	

ردیف	نام و لقب و تخلص	دوره	آثار و کارها	نکته‌ها
۲۴	سلمان هراتی	۱۳۳۸-۱۳۶۵	از این ستاره / از آسمان سبز / دری به خانه‌ی خورشید	
۲۵	ابوالقاسم فردوسی	قرن چهارم و پنجم	شاهنامه	هفت‌خان رستم از مهم‌ترین داستان‌های این کتاب است که به ترتیب شامل مراحل زیر است: ۱- شیر ۲- بیابان بی‌آب ۳- اژدها ۴- زن جادو ۵- اولاد ۶- ارژنگ‌دیو ۷- دیو سپید

تمرین تاریخ ادبیات

● پیش از پاسخگویی به این قسمت، به نگاهی به جدول تاریخ ادبیات بینداز:

حالا اگر فکر می‌کنی نام نویسنده و اثرش به درستی کنار هم قرار گرفته، بزنی؛ اگر نه .

- | | | | |
|--------------------------|--|--------------------------|--|
| <input type="checkbox"/> | ۱- علی اکبر دهخدا / تصحیح تاریخ بیهقی | <input type="checkbox"/> | ۲- هوشنگ مرادی کرمانی / آب‌انبار |
| <input type="checkbox"/> | ۳- ابوالفضل بیهقی / ترجمه‌ی تاریخ طبری | <input type="checkbox"/> | ۴- محمود شبستری / روضة‌الشهدا |
| <input type="checkbox"/> | ۵- سلمان هراتی / از این ستاره | <input type="checkbox"/> | ۶- سعدالدین وراوینی / مرزبان‌نامه |
| <input type="checkbox"/> | ۷- نظامی گنجه‌ای / فتوت‌نامه‌ی سلطانی | <input type="checkbox"/> | ۸- کیکاووس بن اسکندر / سیاست‌نامه |
| <input type="checkbox"/> | ۹- آینه‌های ناگهان / قیصر امین‌پور | <input type="checkbox"/> | ۱۰- شعر فند و عسل / پروین اعتصامی |
| <input type="checkbox"/> | ۱۱- سندبادنامه / ظهیری سمرقندی | <input type="checkbox"/> | ۱۲- دری به خانه‌ی خورشید / سلمان هراتی |
| <input type="checkbox"/> | ۱۳- به قول پرستو / هوشنگ مرادی کرمانی | <input type="checkbox"/> | ۱۴- نصیحة‌الملوک / محمد غزالی |
| <input type="checkbox"/> | ۱۵- گلستان / شیخ محمود شبستری | <input type="checkbox"/> | ۱۶- گنجشک و جبرئیل / سید حسن حسینی |
| <input type="checkbox"/> | ۱۷- دانش‌نامه‌ی علایی / ابوعلی سینا | <input type="checkbox"/> | ۱۸- کوچه‌ی آفتاب / ایرج‌میرزا |
| <input type="checkbox"/> | ۱۹- قصه‌های سار و سیب / مرادی کرمانی | <input type="checkbox"/> | ۲۰- دور از خانه / نادر ابراهیمی |
| <input type="checkbox"/> | ۲۱- واعظ کاشفی / انوار سهیلی | <input type="checkbox"/> | ۲۲- تنفس صبح / سید حسن حسینی |
| <input type="checkbox"/> | ۲۳- ترجمه‌ی روح‌القوانین / بلعمی | <input type="checkbox"/> | ۲۴- داستان خمره / نادر ابراهیمی |
| <input type="checkbox"/> | ۲۵- مخزن‌الاسرار / نظامی گنجه‌ای | <input type="checkbox"/> | ۲۶- قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب / آذریزدی |
| <input type="checkbox"/> | ۲۷- خسرو و شیرین / ایرج‌میرزا | <input type="checkbox"/> | ۲۸- گلشن راز / محمود شبستری |
| <input type="checkbox"/> | ۲۹- علی اکبر دهخدا / تصحیح دیوان منوچهری | <input type="checkbox"/> | ۳۰- هم‌صدا با حلق اسماعیل / سلمان هراتی |

پاسخ‌نامه‌ی تشریحی

- ۱- گزینه‌ی ۳
- ۲- گزینه‌ی ۲
- ۳- گزینه‌ی ۴
- ۴- گزینه‌ی ۲
- ۵- گزینه‌ی ۳
- ۶- گزینه‌ی ۳
- ۷- گزینه‌ی ۲
- ۸- گزینه‌ی ۳
- ۹- گزینه‌ی ۲
- ۱۰- گزینه‌ی ۴
- ۱۱- گزینه‌ی ۴
- ۱۲- گزینه‌ی ۲
- ۱۳- گزینه‌ی ۴
- ۱۴- گزینه‌ی ۳
- ۱۵- گزینه‌ی ۲
- گفتیم که شخصیت‌بخشی یا تشخیص آن است که شاعر یا نویسنده به اشیا یا موجودات غیر انسان کارهای انسانی نسبت بدهد و یا به گونه‌ای با او رفتار کند که انگار او یک انسان است. در این گزینه، شاخه‌ها درباره‌ی گنجشک‌ها حرف می‌زنند. در این گزینه به مخاطب که دانش‌آموز است می‌گوید تو با کتاب بیگانه نیستی و او آشنای همیشه خوب توست، ولی هیچ کار انسانی به او نسبت نمی‌دهد. در گزینه‌ی ۱ کتاب را رفیقی معزفی می‌کند که سخنان گرم و مهرآمیز دارد. در گزینه‌ی ۲، آن را کسی معزفی می‌کند که از هرجا و هرکس با مخاطب گفت‌وگو می‌کند. در گزینه‌ی ۳ کتاب خیرخواهی است که سفارش به دانستن قدر عمر می‌کند.
- کنایه‌های گزینه‌های دیگر، به ترتیب عبارت‌اند از: «پشت دوتا کردن»، کنایه از نوکری و خدمت‌گزاری؛ «بیشتر پیره‌ن پاره‌کردن»، کنایه از تجربه‌ی بیشتر است؛ «دست به دامن کسی زدن یا شدن»، کنایه از التماس و خواهش زیاد است. در گزینه‌ی ۱، «پاک و ناپاک»، در گزینه‌ی ۲، «خوب (زیبا) و زشت» و در گزینه‌ی ۴، «خُرد و کوچک با کلان». شما نیز بکشید که همواره با هم و نگاهبان میهن باشیم.
- مراحل، نیروها، پادشاهان، دیوان، بزرگان.
- شکل املایی «پرخاش» درست است.
- «زشت‌روی و نکورویی» در این گزینه، متضادند. در گزینه‌ی ۱، «بیخ و بن»، در گزینه‌ی ۳، «کج و ناهموار» و در گزینه‌ی ۴، «به و نیک»، مترادف‌اند.
- خصلت مسلمان این است که چون بر خوان بنشیند، ابتدا اهریمن را با نام خدا خوار کند و غذای خود از هم‌نوع دریغ ندارد. سه گزینه‌ی دیگر از ریشه‌ی (ب ل ا) هستند و گزینه‌ی ۴ فارسی است و ریشه‌ی عربی ندارد.
- در قالب مثنوی، همه‌ی بیت‌ها دارای دو مصراع هم‌قافیه‌اند ولی در گزینه‌ی ۲ این‌طور نیست.
- «محتاج، احتیاج و حوائج» از ریشه‌ی (ح و ج) و حاجی از ریشه‌ی (ح ج ج) است.